

مثنوی منتور سپهر

دفتر دوم

علاء الدین محمد بلخی (مولوی)

هدایه متن مثنوی

مطابق با تصحیح استاد محمد علی موحد

مهدی داودی زاده (سهر)



نشر الموعود

۱۳۹۹

سرشناسه

: دادی زاده، مهدی، ۱۳۳۵ -

عنوان قراردادی : مثنوی. شرح

عنوان و نام پدیدآور : مثنوی مثنوی سیهر همراه با متن مثنوی جلال الدین محمد بلخی (مولوی) / نویسنده مهدی دادی زاده؛

مطابق با تصحیح محمدعلی موحد.

: تبریز: نشر ناصرالدین، ۱۳۹۸ -

: ج: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

: شابک ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۵۵۱-۴-۹ : ج: ۲: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۵۵۱-۱-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق.، مثنوی -- نقد و تفسیر

Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn Mohammad, 1207 - 1273. Masnavi-- Criticism and Interpretation : موضوع

: شعر فارسی -- قرن ۷ ق. -- تاریخ و نقد

Persian poetry -- 13th century -- History and criticism : موضوع

: شعر فارسی -- قرن ۷ ق.

Persian poetry -- 13th century : موضوع

: موحد، محمدعلی، ۱۳۰۲ -، مصحح

موضوع : مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق.، مثنوی. شرح

PIR ۵۳۰۱ / ۵۲۲ ۱۳۹۸ :

رده بندی کنگره : ۸۸ ۳۱

شماره کتابخانه ملی : ۵۶۰۸۲۶



ناشر ناصرالدین

شماره ثبت: ۰۹۳۵۸۹۵۸۲۷

naseraddinpub@gmail.com

مثنوی مثنوی سیهر

* نویسنده: مهدی دادی زاده

* ناشر: ناصرالدین

* ویراستاران: غلامرضا مهدوی یوسفی، فروغ زمان کریم نیا،

* طرح روی جلد: سیدوحید فاطمی

* حروفچینی و صفحه آرایی: آذین کامپیوتر ۰۴۱-۳۵۲۴۷۰۵۱

* لیتوگرافی: باختر

* چاپ: معرفت

* صحافی: نوری

* نوبت چاپ: اول

* شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

* تعداد صفحات: ۴۷۸ صفحه

* قطع: رقعی

* شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۵۵۱-۴-۹

* تاریخ و محل نشر: ۱۳۹۹، تبریز

حق چاپ محفوظ است.

در قیمت گذاری این کتاب صرفاً هزینه های جاری در نظر گرفته شده است
و از فروش آن نفع مادی به مؤلف یا ناشر تعلق نمی گیرد.

- هلال پنداشتن آن شخص خیال را در عهدِ عمر رضی الله عنه ----- ۲۵
- دزدیدنِ مارگیر ماری را از مارگیری دیگر ----- ۲۸
- التماس کردنِ همراهِ عیسی علیه السلام زنده کردنِ استخوان‌ها از عیسی علیه السلام ----- ۲۹
- اندرز کردنِ صوفی خادم را در تیمار داشتِ بهیمه، و لاخول خادم ----- ۳۱
- حکایتِ شوری کردنِ خدای تعالی در ایجادِ خلق ----- ۳۳
- بسته شدنِ تفریرِ معنی حکایت به سببِ میلِ مستمع به استماعِ ظاهرِ صورتِ حکایت ----- ۳۶
- التزام کردنِ خادمِ تاجیه به مه و تخلف نمودن ----- ۳۸
- گمان بردنِ کاروا آن که نیمه صوفی رنجور است ----- ۴۳
- یافتنِ شاه، باز را به خانه که زن ----- ۵۵
- حلوای خریدنِ شیخ احمد خطوبه جهتِ ایمان به الهامِ حق تعالی ----- ۶۲
- ترسانیدنِ شخصی زاهدی را که که گری تا کر نشوی ----- ۷۰
- تمامی قصه زنده شدنِ استخوان‌ها به عای عیسی علیه السلام ----- ۷۲
- خاریدنِ روستایی در تاریکی شیر را به ظی آن به گاو بست ----- ۷۸
- فروختنِ صوفیانِ بهیمه مسافر را جهتِ سماع ----- ۷۹
- تعریف کردنِ منادیانِ قاضی، مفلس را گردِ شهر ----- ۸۸
- شکایت کردنِ اهلِ زندانِ پیشِ وکیلِ قاضی از دستِ آن مفلس ----- ۹۲
- تمنه قصه مفلس ----- ۹۵
- مثل ----- ۱۰۷
- ملامت کردنِ مردمِ شخصی را که مادرش را کشت به تهمت ----- ۱۱۲
- امتحانِ پادشاه به آن دو غلام که نو خریده بود ----- ۱۲۰
- به راه کردنِ شاه یکی را از آن دو غلام، و از این دیگر پرسیدن ----- ۱۲۲
- قسم غلام در صدق و وفای یارِ خود، از طهارتِ ظنِ خود ----- ۱۲۷
- حسد کردنِ حشم بر غلامِ خاص ----- ۱۴۴
- گرفتار شدنِ باز میانِ جفدان به ویرانه ----- ۱۵۴
- کلوخ انداختنِ تشنه از سرِ دیوار در جوی آب ----- ۱۶۱
- فرمودنِ والی آن مرد را که این خائِن را که نشاندۀ ای بر سرِ راه، برکن ----- ۱۶۵
- بیانِ آفتِ تأخیرِ خیرات به فردا ----- ۱۷۰
- آمدنِ دوستان به بیمارستانِ جهتِ پرسشِ ذَاالتونِ مصری رحمه الله علیه ----- ۱۸۵

- ۱۹۰ ----- فهم کردن مریدان که ذَاالتون دیوانه نشده، قاصد کرده است
- ۱۹۲ ----- رجوع به حکایت ذَاالتون رحمه الله علیه
- ۱۹۴ ----- امتحان کردن خواجه لقمان زیرکی لقمان را
- ۲۰۰ ----- ظاهر شدن فضل و زیرکی لقمان پیش امتحان کنندگان
- ۲۰۶ ----- تتمه حسد آن چشم بر آن غلام خاص
- ۲۱۱ ----- عکس تعظیم پیغام سلیمان در دل بلقیس از صورت حقیر هدهد
- ۲۱۵ ----- انکار فلسفی بر قرائت اِنْ اَصْنَحْ مَاؤُكُمْ غَوْرًا
- ۲۲۵ ----- انکار کردن موسی علیه السلام بر مناجات شبان
- ۲۲۹ ----- عتاب کردن حق تعالی موسی را علیه السلام از بهر آن شبان
- ۲۳۲ ----- وحی شدن موسی را علیه السلام در عذر آن شبان
- ۲۳۷ ----- پرسیدن موسی از حق غلبه ظالمان را
- ۲۴۵ ----- رنجاندن امیری خفته ای که مار در دهانش رفته بود
- ۲۵۱ ----- اعتماد کردن بر تمسک رفای خرس
- ۲۵۸ ----- گفتن نابینای سایل که در وری دارم
- ۲۶۰ ----- تتمه حکایت خرس و آن ابله بر وفای او اعتماد کرده بود
- ۲۶۳ ----- گفتن موسی علیه السلام گوساله پرست را به آن خیال اندیشی و حزم تو کجاست؟
- ۲۶۷ ----- ترک کردن آن مرد ناصح بعد از مبالغه به مغرور خرس را
- ۲۷۱ ----- تملق کردن دیوانه جالینوس را، و ترسیدن جالینوس
- ۲۷۲ ----- سبب پریدن و چریدن مرغی با مرغی که جنس او نر بود
- ۲۷۴ ----- تتمه اعتماد آن مغرور بر تملق خرس
- ۲۷۶ ----- رفتن مصطفی علیه السلام به عیادت صحابی رنجور و بیار عیادت
- ۲۷۸ ----- وحی کردن حق تعالی به موسی علیه السلام که چرا به عیادت من نیامدی
- ۲۸۰ ----- تنها کردن باغبان صوفی و فقیه و علوی را از همدیگر
- ۲۸۵ ----- رجعت به قصه مریض و عیادت پیغامبر علیه السلام
- ۲۸۶ ----- گفتن شیخی بابزید را که کعبه منم، گرد من طوافی می کن
- ۲۸۷ ----- حکایت
- ۲۹۰ ----- دانستن پیغامبر علیه السلام که سبب رنجوری آن شخص، گستاخی بوده است در دعا
- ۳۰۰ ----- عذر گفتن دلقک با سید اجل که چرا فاحشه را نکاح کرد

- ۳۰۱ ----- به حیلَت در سخن آوردنِ سایلِ آن بزرگ را که خود را دیوانه ساخته بود
 ۳۰۳ ----- حمله بردنِ سگ بر کورِ گدا
 ۳۰۷ ----- خواندنِ محتسبِ مستِ خراب افتاده را به زندان
 ۳۰۹ ----- دوم بار در سخن کشیدنِ سایلِ آن بزرگ را، تا حالِ او معلوم تر گردد
 ۳۱۶ ----- تتمه نصیحتِ رسولِ علیه السَّلام بیمار را
 ۳۲۷ ----- وصیتِ کردنِ پیغامبرِ علیه السَّلام مر آن بیمار را، و دعا آموزانیدنش
 ۳۳۴ ----- بیدار کردنِ ابلیس معاویه را که خیز، وقتِ نماز است
 ۳۳۵ ----- از خر افتادنِ ابلیس معاویه را، و روپوش و بهانه کردن، و جواب گفتنِ معاویه او را
 ۳۳۵ ----- باز جواب گفتنِ ابلیس معاویه را
 ۳۴۰ ----- باز تقریرِ کردنِ معاویه با ابلیس مکرِ او را
 ۳۴۲ ----- باز جواب گفتنِ ابلیس معاویه را
 ۳۴۶ ----- عُنْف کردنِ معاویه با ابلیس
 ۳۴۶ ----- نالیدنِ معاویه به حضرتِ جَنّالی ز ابلیس، و نصرت خواستن
 ۳۴۸ ----- باز تقریرِ ابلیس تلخیصِ خود را
 ۳۵۰ ----- باز جُستنِ معاویه حقیقتِ غرضِ ابلیس را
 ۳۵۱ ----- شکایتِ قاضی از آفتِ قضا و جواب گفتنِ نایبِ او را
 ۳۵۳ ----- به اقرار آوردنِ معاویه ابلیس را
 ۳۵۴ ----- راست گفتنِ ابلیس ضمیرِ خود را به معاویه
 ۳۵۵ ----- فضیلتِ حسرتِ خوردنِ آن مُخلص بر فوتِ نمازِ جماعت
 ۳۵۶ ----- تتمه اقرارِ ابلیس به معاویه مکرِ خود را
 ۳۵۷ ----- فوت شدنِ دزد به آواز دادنِ آن شخصِ صاحبِ خانه را که نزدیک آمدنِ دزد را دریابد و بگیرد
 ۳۶۱ ----- قصه منافقان و مسجدِ ضرار ساختنِ ایشان
 ۳۶۴ ----- فریفتنِ منافقانِ پیغامبر را علیه السَّلام تا به مسجدِ ضرارش بزنند
 ۳۶۹ ----- اندیشیدنِ یکی از صحابه به انکارِ که رسولِ چرا ستاری نمی کند
 ۳۷۱ ----- قصه آن شخص که اشترِ ضالّه خود می جُست و می پرسید
 ۳۷۳ ----- متردد شدن در میانِ مذهب های مخالف، و بیرون شو و مَخْلَص یافتن
 ۳۷۶ ----- امتحانِ هر چیزی تا ظاهر شود خیر و شری که در وی است
 ۳۷۹ ----- شرح فایده حکایتِ آن شخصِ شتر جوینده
 ۳۸۴ ----- بیانِ آن که در هر نفسی فتنه مسجدِ ضرار هست
 ۳۸۵ ----- حکایتِ هندو که با یارِ خود جنگ می کرد بر کاری، و خبر نداشت که او هم بدان مبتلاست
 ۳۸۸ ----- قصد کردنِ غُران به کشتنِ یک مردی تا آن دگر بترسد
 ۳۸۹ ----- بیانِ حالِ خودپرستان و ناشکران در نعمتِ وجودِ انبیا و اولیا علیهم السَّلام

- شکایت گفتن پیرمردی به طبیب از رنجوری‌ها، و جواب گفتن طبیب او را ----- ۳۹۳
- قصه جوحی و آن کودک که پیش جنازه پدر خویش نوحه می‌کرد ----- ۳۹۶
- ترسیدن کودک از آن شخص صاحب چکمه و گفتن آن شخص که ای کودک مترس که من نامردم ----- ۴۰۱
- قصه تیراندازی، و ترسیدن او از سواری که در بیشه می‌رفت ----- ۴۰۲
- قصه اعرابی و ریگ در جوال کردن، و ملامت کردن آن فیلسوف او را ----- ۴۰۳
- کرامات ابراهیم ادهم قدس الله سرّه بر لب دریا ----- ۴۰۷
- آغاز منور شدن عارف به نور غیبین ----- ۴۱۱
- طعن زدن بیگانه در شیخ، و جواب گفتن مرید شیخ او را ----- ۴۱۸
- بقیه قصه ابراهیم ادهم بر لب آن دریا ----- ۴۲۲
- دعوی کردن آن شخص که خدای تعالی مرا نمی‌گیرد به گناه، و جواب گفتن شعیب (ع) مر او را ----- ۴۲۵
- بقیه قصه طعنه زدن آن بیگانه در شیخ ----- ۴۲۹
- گفتن عایشه رضی الله عنها به مصطفی را علیه السلام که تو بی‌مصلی به هر جا نماز می‌کنی، چون است؟ ----- ۴۳۲
- کشیدن موش مهار را، و معجز شدن موش در خود ----- ۴۳۳
- کرامات آن درویش که در اشتهی شهمس کردند ----- ۴۳۸
- تشیع صوفیان بر آن صوفی پیش شیخ که سار می‌گوید ----- ۴۴۱
- عذر گفتن فقیر به شیخ ----- ۴۴۴
- بیان دعوی که عین آن دعوی گواه صدق خویش است ----- ۴۴۹
- سجده کردن یحیی علیه السلام در شکم مادر مسیح علیه السلام ----- ۴۵۲
- اشکال آوردن بر این قصه ----- ۴۵۳
- جواب اشکال ----- ۴۵۳
- سخن گفتن به زبان حال و فهم کردن آن ----- ۴۵۵
- پذیرا آمدن سخن باطل در دل باطلان ----- ۴۵۶
- جستن آن درخت که هر که میوه آن درخت خورد، نمیرد ----- ۴۵۷
- شرح کردن شیخ سز آن درخت را با آن طالب مقلد ----- ۴۵۹
- منازعت چهار کس جهت انگور، که هر یکی به نام دیگر فهم کرده بود آن را ----- ۴۶۱
- برخاستن مخالفت و عداوت از میان انصار به برکات رسول علیه السلام ----- ۴۶۵
- قصه بط بیگان که مرغ خانگی پروردشان ----- ۴۷۱
- حیران شدن حاجیان در کرامات آن زاهد که در بادیه تنه‌اش یافتند ----- ۴۷۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعضی از حکمت تأخیر این مجلد دوم که اگر جمله حکمت الهی بنده را معلوم شود در فواید آن کار، بنده از آن کار فرو ماند و حکمت بی پایان حق ادراک او را ویران کند، بدان کار نپردازد. پس حق تعالی شمه‌ای از آن حکمت بی پایان، مهار بینی او سازد^۱ و او را بدان کار گشدد، که اگر او را از آن فایده هیچ خبر نکند، هیچ نجنبند؛ زیرا جنباننده از بهره‌های آدمیان است^۲ که از بهر آن مصلحت کنیم؛ و اگر حکمت آن بر او فرو ریزد، هم نتواند جنبیدن؛ چنان که اگر در بینی اشتر مهار نبود نرود، اگر مهار بر آن هم فروخسبد. و اِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ^۳. خاک می‌آید آب کلوخ شود و چون آب بسیار بود هم کلوخ نشود، وَ السَّمَاءُ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ^۴ به میزان دهد هر چیز را سببی، سبب و میزان؛ آلا کسانی را که از عالم خلق مبذل شده‌اند^۵ و يَزُوقُ مَنْ شَاءَ بِغَيْرِ حِسَابٍ^۶ شد انداختن^۷ لَمْ يَذَرِ^۸.

پرسید یکی از عارفان چیه؟ گفتیم که چوماشوی، بدانی

عشق محبت بی حساب است؛ بهت آن گفتند که صفت حق است به حقیقت، و نسبت او به بنده مجاز است. يُجِبُّهُمْ تمام است، يُجِبُّهُمْ^۸ کم است؟

شمه‌ای از آن حکمت بی پایان، مهار بینی او سازد: کمی از حکمت بی پایان بر دل سالک می‌اندازد آنگاه سالک را به دنبال خود می‌گشدد. ۲. زیرا جنباننده از بهره‌های آدمیان است: محرک درونی برای بهره‌مند شدن آدمیان است. ۳. و اِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ: و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست و ما آن را جز به اندازه‌ای معین و نومی فرستیم (آیه ۲۱، سوره حجر). ۴. وَ السَّمَاءُ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ: و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت (آیه ۷، سوره الرحمن). ۵. هَذَا عَالَمٌ خَلَقَ مَبْذُلًا: از قید و بند عالم مادی رها شده‌اند. ۶. وَ يَزُوقُ مَنْ شَاءَ بِغَيْرِ حِسَابٍ: و خدا به هر که بخواهد بی شمار روزی می‌دهد. (قسمتی از آیه ۲۱۲، سوره بقره). ۷. وَ مَنْ لَمْ يَنْقُ لَمْ يَنْقُ: آن که نجشیده نمی‌داند. يُجِبُّهُمْ وَ يُجْبُونَهُ: خدا آنها را دوست می‌دارد و آنها خدا را دوست می‌دارند (ماخوذ از آیه ۵۴، سوره مائده)، مولانا معتقد است که تمامی محبت از جانب خداوند است و يُجْبُونَهُ بازتابی از بر تو يُجِبُّهُمْ می‌باشد.